

ساختار هنجار صداقت با دولت در مشهد مورد مطالعه: راستگویی در ارائه اطلاعات درآمدی

علی یوسفی، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران*
ندا رضوی‌زاده، مربی، گروه جامعه‌شناسی، جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، ایران

چکیده

یکی از عرصه‌های مهم کنش که مسأله عمده آن، بی‌صداقتی و عدم توافق بر سر هنجار صداقت است، عرصه ارتباط شهروندان با دولت در ارائه اطلاعات درآمدی است. هدف نوشتار حاضر، برآورد میزان وفاق هنجاری صداقت با دولت در مشهد و شناسایی ساختار این توافق با دو مؤلفه موقعیت‌مندی و قطبیت است. نتایج پیمایش عاملی در نمونه‌ای تصادفی به تعداد ۱۶۰ نفر از ساکنان مناطق مختلف شهر مشهد نشان می‌دهد که ساختار هنجار صداقت با دولت دارای قطبیت مثبت است و اکثریت پاسخگویان (۶۵٪) هنجار صداقت با دولت را به طور قوی یا ضعیف پذیرفته‌اند. در حالی که قطبیت منفی در این ساختار بسیار ضعیف است و تنها ۵٪ پاسخگویان در موضع بی‌صداقتی کامل با دولت قرار گرفته‌اند. همچنین در ساختار هنجار صداقت با دولت، نوعی حالت دو قطبی دیده می‌شود. ساختار هنجار صداقت با دولت تقریباً به طور کامل، مشروط و موقعیت‌مند است و در آن وقفه هنجاری وجود ندارد در نهایت در بین چهار وضعیت دوگانه‌ای که پابندی به هنجار صداقت با دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مجازات، افشا، منفعت و همنوایی)، تأثیر مجازات (جریمه شدن) بیش از سایر خصوصیات وضعیتی است.

کلیدواژه‌ها: هنجار صداقت، راستگویی، وفاق هنجاری، ساختار هنجار، موقعیت‌مندی، قطبیت، پیمایش عاملی

مقدمه و بیان مسأله

ارزش‌ها^۱ و هنجارها^۲ از عناصر ضروری فرهنگند و از طریق فرآیندهای جامعه‌پذیری و درونی‌سازی، به تدریج به درون حیطه کنش اجتماعی راه می‌یابند و جزء عناصر دائمی کنش می‌شوند و در موقعیت عمل، راهنمای مشترک کنشگران قرار می‌گیرند. بر این اساس، هنجارهای اجتماعی به تدریج به شیوه‌های مشترک تفکر، احساس و عمل اجتماعی می‌انجامند و این اشتراک نیز به نوبه خود نظم و پیش‌بینی‌پذیری را در کنش‌های متقابل اعضای جامعه به همراه دارد (Abercrombie et al., 1994:287). مسأله نظم اجتماعی و تأمل در باره آن از نخستین تأملات نظری در جامعه‌شناسی به حساب می‌آید و مورد توجه اکثر جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر قرار گرفته است (چلبی، ۱۳۷۲: ۲۲). در این میان، آرای وبر و دورکیم^۳ (به نقل از بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۳۱) و سپس پارسونز (۱۹۷۶) (Abercrombie & et al., 1994:419) درباره وفاق^۴ و انسجام^۵ ارزشی و هنجاری جامعه و ضرورت حیاتی آن برای بقا جامعه از برجستگی بیشتری برخوردار است. تأکید دورکیم بر «وحدت ارزشی^۶ در عین تفاوت‌ها» و تأکید پارسونز بر «تعمیم ارزشی^۷»^۸ و حفظ ارزش‌های عام اجتماعی است (Turner, 1993:189).

کاهش وفاق، تعلقات خاص‌گرایانه را تقویت و سبب ایجاد شکاف در جامعه می‌گردد و در حالات شدیدتر، به بسیج سیاسی نیروها و گروه‌های اجتماعی علیه یکدیگر منجر شود (Rossi & Berk, 1985). اگرچه در هر جامعه‌ای در زمینه‌های مختلف تفاوت‌هایی در نگرش، سلیقه و ترجیحات وجود دارد اما فقدان حداقلی از توافق بر روی ارزش‌ها و هنجارها، به هرج و مرج و گسیختگی اجتماعی می‌انجامد. بنابراین برای کارکرد هموار و متناسب جامعه و اجزای آن

حدی از وفاق نمادین ضروری است تا در سایه آن هم افراد آزادی عمل و تفرد را تجربه کنند و هم هماهنگی و همکاری‌شان با یکدیگر به یک نظم بادوام بینجامد. از این رو تشخیص صورت بهنجار یا نابهنجار عمل در هر موقعیت، به فهم سازگاری و ناسازگاری «هنجارهای اجرای عمل»^۹ در آن موقعیت بستگی پیدا می‌کند. «هنجار صداقت»^{۱۰} و راستگویی، هنجار محوری اجرای در حوزه فرهنگ است و نظام (تعاملات) فرهنگی جامعه تنها با تأکید بر هنجار صداقت، دوام پیدا می‌کند (چلبی، ۱۳۸۳؛ یوسفی و عظیمی، ۱۳۸۴).

یکی از عرصه‌های مهم تعامل فرهنگی در ایران که مسأله عمده در تنظیم آن «توافق نداشتن بر سر هنجار صداقت» است، ارتباط شهروندان با دولت است. صداقت شهروندان با دولت در مواقعی که به انواعی از اطلاعات نیاز است، در برنامه‌ریزی دقیق‌تر و توزیع عادلانه‌تر منابع در میان شهروندان، سهم بسزائی دارد. این امر به ویژه با توجه به فقدان یا ضعف سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی حایز اهمیت است زیرا به دست آوردن بخشی از اطلاعات مربوط به نیازها، کمبودها یا تراکم منابع در بخش‌های مختلف، مستلزم همکاری شهروندان در تولید داده‌هاست. تولید داده‌های دقیق و بهنگام، مستلزم ارائه صادقانه اطلاعات توسط شهروندان است. بنابراین به میزانی که شهروندان در ارائه این اطلاعات، صادق و راستگو باشند، اطلاعات دقیق‌تری حاصل می‌شود. این امر به ویژه گاه که برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مورد نظر باشد و اطلاعات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و درآمد شهروندان مورد نیاز باشد، بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

نوشتار حاضر درصدد است وفاق هنجاری صداقت با دولت را در مشهد بررسی کند و به سه سؤال عمده پاسخ دهد: میزان وفاق هنجاری صداقت با دولت در ارائه اطلاعات درآمدی چه قدر است؟ ساختار هنجار صداقت با دولت از لحاظ موقعیت‌مندی و قطبیت به چه شکل است؟ چه شرایط عینی بر پابندی شهروندان مشهدی به هنجار صداقت با

¹ values

² Norms

³ weber & Durkheim

⁴ Boudon & Bourricaud

⁵ Consensus

⁶ Integration

⁷ Value unity

⁸ Value generalization

⁹ Performance norms

¹⁰ Honesty norm

دولت (راستگویی در ارائه اطلاعات درآمدی) اثر می‌گذارد؟

پیشینه پژوهش

مفهوم «هنجار» از واژگان کلیدی جامعه‌شناسی است. کوئن^۱ (۱۳۸۲: ۶۲) هنجارهای فرهنگی را معیار رفتارهای ثابتی می‌داند که یک گروه آن را تأیید می‌کند یا از افراد انتظار دارد به لحاظ فکری یا رفتاری به آن ترتیب فکر یا رفتار کنند. (کوئن، ۱۳۸۲: ۶۲) ریشه^۲ هنجارها را «حالت‌های عمل، تفکر و احساس» می‌داند که فشار خود را اعمال می‌کنند زیرا به شکل قواعد، هنجارها و مدل‌هایی ارائه می‌شوند که کنشگران برای موجه و مقبول کردن کنش‌های خود باید برای هدایت و جهت دادن به کنش خود از آن‌ها الهام بگیرند (روشه، ۱۳۶۷: ۴۲). کلمن^۳ جامعه باثبات را نیازمند هنجارهای پایدار یا نسبتاً پایداری می‌داند که به کندی تغییر می‌کنند. به عقیده وی این هنجارها سازوکارهایی هستند که ثبات و نظم جامعه را تأمین می‌کنند. هنجار، ویژگی نظام اجتماعی است نه ویژگی کنشگر درون آن (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۶۶). نکته مهم در تعریف کلمن این است که اولاً هنجار یک خصوصیت جمعی یا ساختاری است نه فردی و ثانیاً موجد نظم، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری است.

اگرچه هنجار بر یک نوع تصدیق و الزام اجتماعی دلالت دارد لکن الزام آن به معنای نفی هرگونه آزادی عمل کنشگر اجتماعی نیست (Rossi & Berk, 1985). «افرادی که کنش‌هایشان تابع هنجارهاست، هنجارها را به عنوان عوامل تعیین‌کننده مطلق کنش‌های خود نمی‌بینند بلکه آن‌ها را به مثابه عناصری می‌دانند که بر تصمیماتشان درباره این که انجام چه کنش‌هایی به سودشان خواهد بود تأثیر می‌گذارند» (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۶۹). به این ترتیب، کلمن حاشیه‌ای از آزادی عمل را برای کنشگران قائل است که طبق آن کنشگران به خود اجازه می‌دهند بسته به شرایط موجود، در مواقعی خلاف هنجارهای رایج و پذیرفته شده رفتار کنند.

در کنار مفهوم هنجار، مفهوم وفاق هنجاری طرح می‌شود. وفاق هنجاری ربط وثیقی با نظم جوامع دارد به طوری که اتفاق نظر بر سر حداقلی از هنجارهای مشترک، ضامن نظم جامعه است. از نظر دورکیم، جامعه از رهگذر منطق مشترک، نظام‌های نمادین مشترک و هنجارها و ارزش‌های مشترک همبسته می‌شود. بنابراین همبستگی بر بنیاد اشتراک هنجاری و ارزشی نضج می‌گیرد و کارکرد این توافق است (کرایب (۱۳۸۲: ۳۳۳)؛ اما از طرف دیگر، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها و خرده‌گروه‌ها، همچنان‌که دورکیم نیز تأکید کرده است، مسأله متحد کردن^۴ جمعیت را با یک وجدان مشترک^۵ یا وجدان جمعی یا کلی‌تر با نمادهای مشترک^۶ همچون زبان، ارزش‌ها، عقاید، هنجارها، ذخائر دانش و غیره پیش می‌آورد. دورکیم این فرآیند را تضعیف وجدان جمعی می‌داند و نگران پیامدهای انومیک^۷ «کدهای فرهنگی کاملاً انتزاعی شده» است در حالی که پارسونز این فرآیند را «تعمیم ارزشی»^۸ می‌نامد و آن را فرآیندی انسجامی که مجال تفکیک بیشتر اجتماعی را فراهم می‌آورد، در نظر می‌گیرد (Turner, 1993: 190). به عقیده ترنر، هم دورکیم و هم پارسونز در یک معنا درست می‌گویند: «اگر کدهای فرهنگی تعمیم‌یافته با کدهای ویژه فرهنگی طبقات، خرده‌فرهنگ‌ها یا خرده‌گروه‌ها سازگار نباشد، پس این امر، مشکلات وحدت را بیشتر می‌کند اما اگر این سازگاری وجود داشته باشد، انسجام خرده‌گروه‌ها، طبقات و خرده‌فرهنگ‌ها بیشتر می‌شود» (Turner, 1993: 190).

هنجارها از نظر پارسونز به مثابه قواعد الزام‌آور، نمودهای عملی و تفصیلی اهدافی هستند که توسط ارزش‌های جامعه مشخص شده‌اند و فعالیت‌های حوزه‌های مختلف جامعه را با هم پیوند می‌دهند و هماهنگ می‌کنند. ارزش‌ها و هنجارهای درونی شده، زمینه‌ساز مدل ساده‌ای از الگوهای پایدار رفتاری در مناسبات اجتماعی می‌شود. این امر از نظر

⁴ unifying

⁵ common conscience

⁶ common symbols

⁷ anomic

⁸ value generalization

¹ Cohen

² Rocher

³ Coleman

چلبی هم عوامل و موانع وفاق را برشمرده، هم پیامدهای توسعه‌ای آن را بیان کرده است. مهم‌ترین نکته در آرای وی آن است که برای برقراری وفاق اجتماعی، اعضای جامعه باید بر سر ارزش‌ها و هنجارهای هسته‌ای و عام اتفاق نظر حاصل کنند و این اتفاق نظر به صورت نسبتاً نهادی شده درآمده باشد.

رسی و برک که آثار پراستنادی در زمینه وفاق هنجاری منتشر کرده‌اند، هنگام تعریف هنجار به دو عنصر کلیدی در تعاریف مختلف از هنجار اشاره کرده‌اند: نخست این که هنجارها گزاره‌های کنش‌انتظاری یا قواعد ارزیابی هستند همین آن‌ها را از نگرش‌ها، عقاید و ترجیحات شخصی افراد متمایز می‌کند. دوم این که هنجارها قواعد تصدیق شده الزام‌آور شناخته شده توسط اعضای جامعه هستند. از نظر آن‌ها در مورد هنجارهایی که با عبارت عمومی‌تری بیان می‌شوند می‌توان انتظار درجات بالاتر توافق را داشت، در حالی که در مورد کاربرد هنجارها برای مصداق‌های خاص رفتار، درجات کمتر توافق به چشم می‌خورد.

چنان‌که پیشتر گفته شد، اگرچه هنجارها الزام‌آورند اما به طور جبری کنشگران را مقید نمی‌کنند بلکه راهنمای عمل واقع می‌شوند. بنابراین همیشه میزانی از ناهم‌سویی با هنجارها وجود دارد. به همین دلیل، رسی و برک تلاش کرده‌اند اشکال مختلفی را که وفاق هنجاری در جامعه ممکن است به خود بگیرد بر اساس یک مدل ریاضی نشان دهند و ضمناً توصیف جامعه‌شناختی خود را از این مدل‌ها و پیامدهای احتمالی شکل‌گیری این اشکال وفاق در جامعه نشان دهند. آن‌ها در تعریف وفاق به میزان موافقت، اشتراک یا صحنه‌گذاری اعضای یک گروه اجتماعی در مورد گزاره(ها)ی معین و بنابراین موافقت اعضا با یکدیگر توجه کرده‌اند.

به عقیده رسی و برک، وفاق هنجاری در هر وضعیتی، متناسب با «حوزه و کاربرد»^۳ هنجار شکل می‌گیرد؛ حوزه هنجاری، مجموعه هنجارهای مرتبط با یک حوزه رفتاری همگن است و مشخص می‌کند که کنشگر در آن حوزه معین

پارسونز، قدرت پیش‌بینی را در فعالیت‌های روزمره افزایش می‌دهد زیرا مردم سعی می‌کنند به شیوه‌های مورد انتظار دیگران (هنجارها) عمل کنند. آن‌ها در واقع سبب ترس از تنبیه همراه با انحراف، بر خود لازم می‌بینند تا بر اساس شیوه‌ها و الگوهای استقرار یافته‌ای عمل کنند که در جریان انتظارات متقابل مردم به وجود آمده، ادامه یافته است (ورسلی، ۱۳۸۸: ۷۴). با وجود آن که درونی ساختن هنجارها از جمله شرایط لازم انسجام اجتماعی است لکن به تنهایی کفایت نمی‌کند. انسجام اجتماعی همچنین مستلزم برخی هماهنگی‌های تکمیلی است که از طریق انتظارات نقش تجویزی یا تحذیری (مثل قوانین) و توسط کنشگرانی که در نقش‌های کاملاً مشخص، مسؤلیت‌های جمعی را اعلام می‌کنند، صورت می‌گیرد (ترنر، ۱۹۹۳: ۲۰۳).

پارسونز با تأکید بر ضرورت تطابق‌پذیری نظام‌های اجتماعی با محیط‌های پیرامونی خود می‌گوید در خرده نظام‌های جامعه پیچیده و متکامل‌تر جدید که نیازمند نظم و سازمان‌دهی هستند، جامعه برای مشروعیت بخشیدن به انواع گسترده‌تر اهداف و کارکردهای خرده واحدهایش به نظام ارزشی با سطح عمومیت بالاتر نیاز دارد (پارسونز، ۱۹۶۶ به نقل از ریتزر^۲، ۱۳۷۴: ۱۴۳).

چلبی (۱۳۷۲)، چهار تلقی از مفهوم «وفاق اجتماعی» را طرح می‌کند که عبارتند از: «اشتراک داوطلبانه قواعد اجتماعی مبتنی بر پیوستگی عاطفی؛ توافق نسبت به بعضی از ارزش‌ها و آرمان‌های هنجاری اساسی مشترک؛ توافق بر سر طرق مشترک دیدن، احساس، عمل کردن و ارتباط داشتن؛ رحجان‌های مشترک و قائل شدن برتری و اولویت در حد قداست برای آن‌ها نسبت به رحجان‌های تصادفی و متغیر؛ نظم نمادی یا اجتماع ارتباطی». هر چهار تلقی مذکور دلالت روشنی بر اشتراک در نمادها، ارزش‌ها و قواعد دارد. از نظر چلبی در نظم حاصل از وفاق، تعهد درونی و تمایل به خودتنظیمی وجود دارد که خود مانع انحراف زیاد افراد از ارزش‌ها و هنجارهای کلیدی جامعه می‌شود (چلبی، ۱۳۷۲).

¹ Worsley

² Ritzer

³ Domain and Application

پاسخگویان است (Hechter & et al., 1999).

از لحاظ تجربی، پژوهش‌های چندی در مورد وفاق ارزشی، هنجاری و سنجش توافق نگرشی انجام شده است. روسی، برک و کمپبل (۱۹۹۷) در پژوهشی به بررسی میزان تطابق محتوای کتابچه راهنمای احکام مجازات در آمریکا و دیدگاه‌های آمریکاییان پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از اطلاعات یک پیمایش ملی در میان بزرگسالان در سال ۱۹۹۴ به شیوه پیمایش عاملی (فکتوریال) به این نتیجه رسیدند که بین محتوای کتابچه راهنمای احکام قضایی و دیدگاه‌های مردم شباهت‌های برجسته‌ای وجود دارد. با این حال در راهنمای احکام، برای جرایم شدید علیه اشخاص، مجازات‌های سنگین‌تری در نظر گرفته شده در حالی که مردم برای جرایم کمتر شدید، به مجازات‌های سنگین‌تر تمایل داشتند. به نظر می‌رسید مردم جرایمی را که امنیت جسمی قربانیان و ناظران را به خطر می‌انداخت (مثل آدم‌ربایی)، جدی‌تر از کتابچه‌های راهنما تلقی می‌کردند و مجازات‌های خشن‌تر تجویز می‌کردند و در عوض، برای جرایمی که قربانی معین و شناخته شده‌ای نداشت (مثل رشوه یا تخریب محیط زیست) مجازات‌های سبک‌تری تجویز می‌کردند. دیفنباخ و آپ در بررسی پذیرش هنجار طلاق، به روش پیمایش عاملی، تلاش کردند عوامل خارجی و داخلی را که تأثیر مثبت و منفی بر پذیرش هنجار طلاق دارند مطالعه کنند. آن‌ها دریافتند در صورتی که کیفیت زندگی زناشویی بد باشد، زوجین هر دو روابط فرازناشویی داشته باشند و فرزندی نداشته باشند، بر هنجار تجویز طلاق، صحنه گذاشته می‌شود. برخلاف انتظار محققان، طلاق والدین یا رنج بردن از طلاق والدین اثر مستقیمی بر پذیرش هنجار تجویز طلاق ندارد (Diefenvach & Opp, 2007).

در داخل کشور، تحقیقات چندانی در مورد وفاق هنجاری یا ارزشی انجام نشده است اما میزان شیوع ارزش‌ها یا هنجارها از نظر نمونه‌های مورد بررسی یا در رفتار آن‌ها سنجیده شده است. این تحقیقات عمدتاً به روش پیمایشی انجام شده‌اند. از جمله در موج اول پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹)، میزان رواج بعضی ارزش‌های

چگونه باید رفتار کند. منظور از کاربرد هنجار، این است که متناظر با هر حوزه هنجاری، تعدادی کاربرد وجود دارد که هر کدام شامل موقعیت‌های مشخصی است که در آن‌ها هنجارهای مورد نظر به کار می‌روند (Rossi & Berk, 1985).

از آن جا که هنجار به انتظارات اجتماعی درباره یک رفتار صحیح یا مناسب اطلاق می‌شود، هنجار بر مشروعیت، توافق و تجویز یا تحریم دلالت دارد و انحراف از هنجار توسط ضمانت‌ها تنبیه می‌شود (Abercrombie & et al., 1994). یک الگوی شناخت ساخت هنجاری جامعه نیز توسط جسو و آپ ارائه شده است که قطبیت (تجویزی، تحریمی یا دو قطبی بودن) و موقعیت‌مندی هنجارها را توسط آن می‌توان نشان داد. جسو بیان کرده است که الگوی رتبه‌بندی در مطالعه هنجارها نشان می‌دهد که:

- آیا هنجار خاص پاسخگو تجویزی است یا تحریمی یا دو قطبی است؟
- آیا هنجار وابسته به وضعیت است یا غیر وضعیتی؟
- شدت هنجار چه قدر است؟
- آیا پاسخگو در واقع به هنجار وفادار است؟ (Jasso, 2006)
- هکتر و همکاران معتقدند قطبیت^۱ وقتی وجود دارد که یک پاسخگو در همه شرایط طرح شده، ابراز پایبندی کند، در این صورت قطبیت مثبت است. در حالتی که در همه شرایط پایبند نبودن نشان دهد، قطبیت منفی است. حال اگر در بعضی شرایط هنجار را بپذیرد و در بعضی شرایط نپذیرد، در آن صورت حالت دو قطبی وجود دارد. همچنین اگر فردی در همه شرایط ممکن تصمیم واحدی بگیرد، پایبندی وی به هنجار غیر موقعیت‌مند (غیر مشروط) است و اگر در شرایط مختلف، تصمیمات متفاوت بگیرد پایبندی او مشروط یا موقعیت‌مند^۲ است. بنابراین یک هنجار دو قطبی همیشه موقعیت‌مند است، در حالی که هنجار تک قطبی ممکن است موقعیت‌مند باشد یا غیر موقعیت‌مند. موقعیت‌مندی و قطبیت هنجارها تحت تأثیر شرایط عینی موجود و نیز ویژگی‌های

^۱ Polarity

^۲ Conditionality

اخلاقی از دید پاسخگویان اندازه گیری شده است. در این میان، تنها ۱۸٪ افراد راستگویی را در جامعه به میزان خیلی زیاد رایج می‌دانستند، حال آن که ۶۴٫۸٪ دورویی و تظاهر، ۶۹٪ تقلب و کلاهبرداری، ۶۴٫۶٪ تملق و چاپلوسی را خیلی زیاد رایج می‌دیدند. باستانی (۱۳۸۶) در فراتحلیل ۱۶ مطالعه در مورد رابطه بین جنسیت و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی تفاوت‌هایی بین اهمیت این ارزش‌ها بین زنان و مردان یافت، از جمله پابندی بیشتر زنان به ارزش‌های دینی و اهمیت بیشتر ارزش‌های اقتصادی برای مردان. با این حال نتایج تحقیق حاکی از این است که در طول زمان، سوگیری‌های ارزشی زنان و مردان به هم نزدیک‌تر شده است. اعظم‌آزاده (۱۳۸۷) نیز در فراتحلیل ۲۰ تحقیق در مورد شباهت‌های ارزشی، نگرشی و هنجاری گروه‌های سنی دریافت که شکاف ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان و بزرگسالان معنی‌دار است.

در مورد هنجارها نیز اگرچه تحقیقات منتشر شده غالباً به صراحت در صدد سنجش وفاق هنجاری برنیامده‌اند اما در بعضی آثار تلاش شده است پابندی به بعضی هنجارها از جمله صداقت اندازه‌گیری شود. در موج دوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲)، پابندی به هنجار صداقت و هنجار وفاداری در ۲۸ مرکز استان کشور سنجیده شد. هنجار صداقت با یک سؤال اندازه‌گیری شده بود که واکنش پاسخگو را در شرایط رخ دادن دعوا می‌سنجید. تنها ۴۱٪ از پاسخگویان گزینه «از کسی که حق با او باشد دفاع می‌کنم» را انتخاب کردند که نشان‌دهنده پابندی کامل به هنجار صداقت بود. تفاوت‌ها بین گروه‌های سنی، جنسی، تحصیلی، شغلی و تأهلی معنادار بود. کلدی و رسولی (۱۳۸۰) میزان تمایل دانش‌آموزان دختر منطقه ۱۸ تهران را به رعایت هنجارها بر اساس حضور دانش‌آموز در مدرسه، رعایت مقررات، وضع ظاهر و حجاب سنجیدند. در ۲۲٪ دانش‌آموزان میزان رعایت هنجار بالا، در ۶۹٪ متوسط و در ۹٪ پایین بود. در این تحقیق، اثر رشته تحصیلی، میزان آگاهی از مقررات و ارزیابی دانش‌آموز از محیط آموزشی بر رعایت هنجارها معنی‌دار بوده

است. افقی و صادقی (۱۳۸۸) میزان آتومی را در خوابگاه‌های دانشگاه گیلان بررسی کردند. آن‌ها از مقایسه قضاوت‌های ارزش‌شناختی دانشجویان ساکن خوابگاه دریافتند که توافق نسبی ارزشی در میان آن‌ها وجود دارد اما این قضاوت‌ها به قدر کافی درونی نشده است که الزام‌آور شود. یوسفی و عظیمی (۱۳۸۴ الف) در گزارش پیمایش ملی انسجام اجتماعی در ایران، انسجام هنجاری جامعه را بر حسب توافق جمعی بر چهار هنجار مهم اجرا شامل هنجار کارایی در حوزه اقتصاد، هنجار صداقت در حوزه فرهنگ، هنجار وفاداری ملی در حوزه اجتماع و هنجار مسؤلیت نسبت به قانون اساسی در حوزه سیاسی تعریف کرده‌اند. نتایج پیمایش مذکور که در ۲۸ مرکز استان کشور انجام گرفته است نشان می‌دهد میزان پذیرش هنجار کارایی برابر ۷۵٫۷ درصد، پذیرش هنجار مسؤلیت معادل ۶۴٫۸ درصد، پذیرش هنجار وفاداری برابر ۶۴٫۶ درصد و پذیرش هنجار صداقت مساوی با ۵۶٫۹ درصد است. به علاوه میزان سازگاری درونی چهار هنجار مذکور در ایران، ۵۹٪ برآورد گردیده است. همچنین در گزارش استانی طرح مذکور (۱۳۸۴ ب)، مقدار پذیرش هنجار صداقت در مشهد برابر ۵۵٫۹ درصد اعلام گردیده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در سوابق مطالعه هنجارهای اجتماعی، رویه واحدی در تعریف و سنجش هنجارها و خصوصیات نظام هنجاری دیده نمی‌شود و تنها می‌توان از برخی تحقیقات به عنوان سرمشق روشی و از برخی آن‌ها به عنوان راهنمای مفهومی بهره گرفت.

چارچوب نظری

اگرچه هنجارها، قواعد تصدیق شده و الزام‌آور اجتماعی هستند لکن همه هنجارها ضمانت اجتماعی یکسانی برای اجرا ندارند؛ از این رو می‌توان گفت هنجارها، بیشتر راهنمای کنشند نه تعیین‌کننده‌های جبری کنش. در عین حال نظم و ثبات نسبی هر جامعه حاکی از توافق بر سر تعدادی از هنجارهای کلیدی است و این امر، پابندی به برخی هنجارها را تضمین می‌کند. به علاوه از آن جا که کنشگران به طور

۳- دوگانه افشاء: این که راستگویی در اعلام درآمد به دولت، معطوف به ترس از افشای دروغ باشد یا معطوف به احتمال عدم افشاء؛

۴- دوگانه همنوایی: این که راستگویی در اعلام درآمد به دولت، معطوف به همنوایی با رفتارصادقانه همتایان باشد یا معطوف به رفتار غیرصادقانه آنان.

تصمیم به اعلام درست درآمد به دولت (پابندی به هنجار صداقت) تحت تأثیر دوگانه‌های مذکور و انواع ترکیب‌های محتمل آن‌هاست؛ ترکیب‌ها یا سناریوهای متفاوت می‌تواند به تصمیمات متفاوت منجر شود. ساختار هنجار صداقت با دولت از لحاظ موقعیت‌مندی و قطبیت، چند حالت متفاوت مطابق شرح ذیل به خود می‌گیرد:

۱- موقعیت‌مندی هنجار صداقت: اگر فرد متناسب با ترکیب معینی از دوگانه‌های تصمیم‌گیری، در اعلام درآمد خود به دولت، صداقت متفاوتی نشان دهد به این معناست که هنجار صداقت به دولت، موقعیت‌مند است و برعکس، اگر در همه وضعیت‌ها (انواع ترکیب دوگانه‌های تصمیم‌گیری)، موضع واحدی اتخاذ نماید نشان‌دهنده این است که هنجار صداقت با دولت، موقعیت‌مند نیست.

۲- قطبیت هنجار صداقت: برحسب نوع و قوت پذیرش هنجار صداقت با دولت چهار حالت ساختاری به شرح ذیل شکل می‌گیرد:

۱-۲- قطبیت مثبت یا تجویزی: به معنای پذیرش هنجار صداقت با قوت یا ضعف متفاوت، متناسب با شرایط کنش.

۲-۲- قطبیت منفی یا تحریمی: به معنای عدم پذیرش هنجار صداقت با قوت و ضعف متفاوت، متناسب با شرایط کنش.

۲-۳- دوقطبی شدن یا قطبیت اقتضائی: به معنای پذیرش یا عدم پذیرش صداقت متناسب با اقتضائات کنش. در این حالت، فرد گاه صادق و گاه غیرصادق ظاهر می‌شود.

۲-۴- فقدان هنجاری: چنانچه افراد در مرز تجویز (صداقت) و تحریم (بی‌صداقتی) قرار گیرند وضعیت وقفه یا فقدان هنجار به وجود می‌آید.

از بین چهار وضعیت پیش‌گفته، میزان وفاق هنجاری

کامل و جبری به هنجارها گردن نمی‌نهند، تفاوت‌هایی در شیوه‌های اجرای هنجارها به چشم می‌خورد و تفاوت شرایط کنش و خصوصیات متفاوت کنشگران نیز پابندی‌های متفاوتی را رقم می‌زند. تفاوت پابندی به هنجارها می‌تواند به ساختار هنجاری متفاوت بینجامد. این ساختار بر اساس قطبیت و موقعیت‌مندی (مشروط بودن) هنجارها شکل می‌گیرد. مطابق صورت‌بندی هکتر و همکاران (۱۹۹۹) وقتی قطبیت مثبت وجود دارد که فرد در هر شرایطی به هنجار پابندی نشان دهد. قطبیت مثبت به معنای پابندی به هنجار تجویزی و گردن نهادن به امری است که جامعه آن را مجاز دانسته است. به عکس، وقتی فرد در هیچ شرایطی به هنجارها پابند نباشد، قطبیت منفی است که به معنای تحریم امر یا هنجاری است که جامعه بر آن تأکید کرده است. حال اگر در بعضی شرایط هنجار را بپذیرد و در بعضی شرایط نپذیرد، در آن صورت حالت دو قطبی وجود دارد. همچنین اگر فردی در همه شرایط ممکن تصمیم واحدی بگیرد، پابندی وی به هنجار غیر موقعیت‌مند است و اگر در شرایط مختلف، تصمیمات متفاوت بگیرد پابندی او مشروط یا موقعیت‌مند است. بنابراین یک هنجار دو قطبی همیشه موقعیت‌مند است، درحالی که هنجار تک قطبی ممکن است موقعیت‌مند باشد یا غیرموقعیت‌مند. موقعیت‌مندی و قطبیت هنجارها تحت تأثیر شرایط عینی کنش و نیز ویژگی‌های کنشگران است (Hechter & et al., 1999).

حوزه هنجاری مورد مطالعه در این نوشتار، حوزه «صداقت با دولت» و کاربرد آن «راستگویی در اعلام درآمد» است که به چهار بعد دوگانه مطابق شرح ذیل مقید گردیده است:

۱- دوگانه منفعت: این که راستگویی در اعلام درآمد، معطوف به دریافت منفعت از دولت (یارانه) باشد یا معطوف به پرداخت هزینه به دولت (مالیات)؛

۲- دوگانه مجازات: این که راستگویی در اعلام درآمد، معطوف به ترس از مجازات دولت (جریمه) باشد یا معطوف به عدم جریمه از دولت؛

فهرستی از صفات و رفتارهای متنوع فردی و موقعیتی تشکیل شده است. هر داستان‌واره شامل صفات مفصلاً توصیف شده‌ای است که ابعاد نامیده می‌شود. هر بعد شامل طبقات یا سطوح مختلف است. سطوح هر بعد به طور تصادفی انتخاب و با سطوح دیگر ابعاد ترکیب می‌شود. ادغام تصادفی این ابعاد و سطوحشان، ما را قادر می‌سازد که تعامل^۵ یا استقلال^۶ بین اجزا را حفظ کنیم و بدین ترتیب، اهمیت منحصر به فرد هر ویژگی را تحلیل کنیم (Will, 1993:318-319). بر مبنای روش پیشنهادی رسی و برک (۱۹۸۵) در پرسشنامه وفاق هنجاری صداقت، «حوزه هنجاری»، حوزه روابط اقتصادی مردم و دولت منظور گردید و «کاربرد هنجار» نیز صداقت کنشگر با دولت در اعلام واقعی و دقیق درآمد خود در نظر گرفته شد. برای این کاربرد یک داستان‌واره تهیه شد که شامل صفات (ابعاد) مختلفی بود. هر صفت (بعد) دارای چندین سطح بود. تعداد کل داستان‌واره‌های حاصل، با حاصلضرب تعداد سطوح این ابعاد برابر شد. در تحقیق حاضر چهار بعد که هر کدام دو حالت (سطح) داشتند انتخاب شدند (جدول ۱). بنابراین در مجموع، ۱۶ داستان‌واره حاصل شد. با توجه به این که پاسخگویی به ۱۶ داستان‌واره برای هر پاسخگو خسته کننده بود و احتمال بروز خطای سیستماتیک می‌رفت، بنا به تجارب قبلی محققان (Jasso, 2006) در زمینه پیمایش عاملی، این داستان‌واره‌ها به طور تصادفی در دو دسته هشت‌تایی قرار گرفتند و بدین ترتیب دو پرسشنامه متفاوت تهیه شد. پرسشنامه‌ها نیز به تصادف به تعداد مساوی بین پاسخگویان توزیع شد. داستان‌واره‌ها شرحی از یک موقعیت بودند که برای پاسخگو توصیف می‌شدند^۷. فرض بر این بود که صفاتی^۸ که در داستان‌واره‌ها قرار داده شده، در تصمیم پاسخگو برای گردن نهادن به هنجار مورد بررسی مؤثر است. در جدول ۱، ابعاد داستان‌واره‌های صداقت با دولت ترسیم گردیده است.

صداقت با دولت به طور عمده بر حسب قطبیت مثبت قابل تعریف است. در این معنا فراوانی کنشگرانی که در هر شرایطی، با قوت و ضعف متفاوت با دولت صادقند، شاخص وفاق هنجاری صداقت با دولت خواهد بود؛ با منظور داشتن این نکته که پابندی به هنجار صداقت با دولت، تحت تأثیر خصوصیات وضعیتی کنش (دوگانه‌های منفعت، مجازات، افشا و همنوایی) قرار دارد.

روش پژوهش

وفاق هنجاری صداقت در ارائه اطلاعات درآمدی به دولت در مشهد بر اساس طرح پیمایش عاملی^۱ بررسی گردیده است. این نوع پیمایش در پی استفاده از الگوی طرح‌های آزمایشی با استفاده از روش اجرایی پیمایش است. پیمایش عاملی، پیچیدگی انتخاب‌های دنیای واقعی و شرایط انتخاب‌ها و قضاوت‌های واقعی انسان را در نظر می‌گیرد و همزمان، قابلیت شناسایی واضح تأثیرات جداگانه را بر بسیاری از عواملی که در قضاوت و انتخاب دخیل هستند، دارد (Rossi & Anderson, 1982:16). تحقیقات پیشین نشان داده است که این روش بیش از پرسش مستقیم از پاسخگویان، حالات درونی آن‌ها را بیرون می‌کشد زیرا سناریوهای مطرح شده در این روش تصویری از موقعیت را برای پاسخگو تجسم می‌کند که وجوه زیادی را ترکیب می‌کند. از آن جا که محاسباتی که مستلزم برآورد ارزش انتخاب‌های ارائه شده در سناریوهاست، پیچیده است، محتمل نیست که پاسخگو بتواند پاسخ خود را تحریف کند یا نسخه‌ای از ارزش‌های آرمانی شده^۲ خود را ارائه کند. بنابراین، روش مذکور اساساً سوگیری^۳ را تقلیل می‌دهد (Hechter & et al., 1999). رویکرد پیمایش عاملی، ترکیبی از تجارب و پیمایش‌های نمونه‌ای است که برای پرده برداشتن از نظم‌های نهفته در قضاوت درباره اعیان اجتماعی پیچیده (داستان‌واره‌ها^۴) به کار می‌رود (Will, 1993). این اعیان پیچیده یا داستان‌واره‌ها، توصیف کوتاهی از موقعیتند که از

⁵ orthogonality

⁶ independence

^۷ نمونه‌ای از سؤالات این داستان‌واره‌ها در پیوست درج شده است.

⁸ Attributes

¹ Factorial survey

² idealized

³ Bias

⁴ vignette

جدول ۱- ابعاد داستان‌واره‌ها صداقت با دولت

حوزه	کاربرد	ابعاد داستان‌واره	سطوح ابعاد
صداقت با دولت	صداقت در اعلام درآمد	دوگانه منفعت	دریافت یارانه/ پرداخت مالیات
		دوگانه مجازات	احتمال جریمه شدن/ نشدن
		دوگانه افشاء	احتمال تشخیص/ تشخیص ندادن صحت اظهارات
		دوگانه همنوایی	پیروی از صداقت/ صداقت نداشتن همتایان

میزان صداقت با دولت

برحسب نتایج جدول ۳، بیش از ۵۵٪ کل پاسخ‌ها بر اتخاذ رفتار صادقانه به احتمال زیاد و خیلی زیاد دلالت دارد. پاسخگویان در کل فقط در ۱۸٫۵٪ از موارد، احتمال کم و خیلی کم داده‌اند که واقعیت را بگویند. در حدود یک چهارم پاسخ‌ها (۲۶٫۲٪) نیز احتمال گفتن و نگفتن واقعیت (بینابین) برآورد شده بود. این یافته نشان می‌دهد جهت‌گیری غالب به سمت رفتار صادقانه با دولت است و قوت پذیرش هنجار صداقت با دولت نیز در مجموع بالاتر از حد متوسط است. جدول ۳، جزئیات پاسخ‌ها را نشان می‌دهد.

ویژگی‌های ساختار هنجار صداقت با دولت

الگوی رتبه‌بندی هنجار صداقت مطابق روش (Jasso, 2006) در جدول ۴ ترسیم گردیده است و برحسب آن می‌توان تشخیص داد اولاً آیا هنجار صداقت، تجویزی تحریمی یا دو قطبی است و ثانیاً آیا پایبندی به این هنجار وابسته به موقعیت است یا خیر؟ در زیر مطابق جدول ۴، به خصوصیات عمده ساختار هنجاری صداقت با دولت در مشهد اشاره می‌گردد.

اول: در ساختار هنجاری صداقت با دولت، وقفه هنجاری وجود ندارد؛ یعنی هیچ پاسخگویی در نمونه وجود ندارد که در مرز صداقت و بی‌صداقتی سرگردان باشد و در وضعیت‌های مورد مطالعه نداند که با دولت باید صادق باشد یا غیر صادق؟ (j=3).

دوم: ساختار هنجاری صداقت با دولت دارای ویژگی قطبیت مثبت است؛ یعنی ۲۱٫۹٪ از پاسخگویان، هنجار صداقت با دولت را قویاً (j=3) و ۴۳٫۱٪ از آن‌ها در حد

جمعیت آماری تحقیق حاضر شامل کلیه افراد ۱۸ سال به بالای ساکن مناطق سیزده گانه شهر مشهد بود و از بین آنان ۱۶۰ نفر به عنوان نمونه، به روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای و به طور تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. برای توصیف ساختار هنجاری صداقت، از الگوی جسو و آپ (Jasso & Opp, 1997) و آپ، ۲۰۰۱ (به نقل از: Diefenbach & Opp, 2007) و هکتر و همکاران (Hechter & et al., 1999) استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

از ۱۶۰ پاسخگوی مورد مصاحبه، ۵۰ درصد مرد بوده‌اند؛ میانگین سنی آن‌ها ۳۶٫۲ سال، میانه تحصیلی آنان دیپلم / پیش‌دانشگاهی و بیشتر آن‌ها (۷۸٫۸ درصد) متأهل و ۷۰ درصد آن‌ها شاغل بوده‌اند. جزئیات ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان در جدول ۲ درج گردیده است.

جدول ۲- ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

متغیر	سطوح متغیر	%
جنسیت	زن	۵۰
	مرد	۵۰
سن	۱۸-۲۹	۳۹٫۴
	۳۰-۴۵	۳۳٫۱
	۴۶ و بالاتر	۲۷٫۵
تأهل	مجرد	۲۱٫۲
	متأهل	۷۸٫۸
میزان تحصیلات	زیر دیپلم	۴۶
	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	۲۶
	دانشگاهی	۲۸

چهارم: در ساختار هنجاری صداقت با دولت، حالت دوقطبی دیده می‌شود؛ یعنی ۳۰٪ پاسخگویان در وضعیت اعلام درآمد خود به دولت، اقتضایی عمل می‌کنند؛ گاهی با صداقت و گاه بی‌صداقتند. به بیان دیگر، برای بعضی داستان‌واره‌ها (کاربردها) گزینه‌های کم و خیلی کم و برای بعضی‌ها، زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

پنجم: ساختار هنجاری صداقت با دولت تقریباً به طور کامل، مشروط و موقعیت‌مند است؛ یعنی صداقت با دولت ۹۹٫۴٪ از پاسخگویان، در اعلام درآمد خود، مشروط است.

ضعیف ($Var(j) \neq 0, j \geq 3$)، پذیرفته‌اند و در مجموع، اکثر پاسخگویان (۶۵٪) هنجار صداقت با دولت را به طور قوی یا ضعیف پذیرفته‌اند که مورد اخیر حاکی از توافق هنجاری صداقت با دولت است.

سوم: ساختار هنجاری صداقت با دولت، قطبیت منفی بسیار ضعیفی دارد؛ یعنی هیچ‌یک از پاسخگویان، در حالت تحریم هنجاری، گزینه‌های کم و خیلی کم (۳ و ۲) را انتخاب نکرده‌اند و تنها ۵٪ آنان در موضع بی‌صداقتی کامل با دولت قرار گرفته‌اند.

جدول ۳- فراوانی پاسخ‌ها در پابندی به هنجار صداقت با دولت

میزان	خیلی زیاد	زیاد	بینابین کم	خیلی کم	کل	میانگین*	انحراف معیار
فراوانی**	۱۶۲	۵۴۵	۳۳۱	۱۷۳	۶۸	۱۲۷۹	۳٫۴۴
درصد	۱۲٫۶۶	۴۲٫۵۸	۲۵٫۸۶	۱۳٫۵۱	۵٫۳۱	۱۰۰	۱٫۰۴

* میانگین پابندی به هنجار صداقت در مقیاس ۱-۵ محاسبه شده است.

** فراوانی کل پاسخ‌ها محاسبه شده است. از میان ۱۶۰ پاسخگو، هر یک به ۸ سؤال جواب داده‌اند. بنابراین کل پاسخ‌ها برابر ۱۲۸۰ است.

جدول ۴- ویژگی‌های ساختار هنجار صداقت با دولت در مشهد*

درصد	فراوانی	ساختار هنجار صداقت با دولت
		قطبیت
		فقدان هنجار ($j=3, Var(j)=0$)
		صداقت ($j \geq 3$)
۲۱٫۹	۳۵	پذیرش هنجاری قوی (۳ و ۲)
۴۳٫۱	۶۹	پذیرش هنجاری ضعیف ($Var(j) \neq 0$)
		عدم صداقت ($J \leq 3$)
		پذیرش هنجاری قوی (۳ و ۲)
۵	۸	پذیرش هنجاری ضعیف ($Var(j) \neq 0$)
۳۰	۴۸	دو قطبی ($1 \leq j \leq 5$)
۱۰۰	۱۶۰	کل
		موقعیت‌مندی
		فقدان هنجار (۳ و ۲)
۰٫۶	۱	غیر مشروط ($j \neq k, k \neq 3$)
۹۹٫۳۷	۱۵۹	مشروط ($Var(j) \neq 0$)
۱۰۰	۱۶۰	کل

* در جدول حاضر، ژرتبه داده‌شده توسط پاسخگو در رتبه‌بندی هنجارها و مقداری بین ۱ تا ۵ است؛ K هر مقداری در رتبه‌بندی مذکور و var مخفف انگلیسی واریانس است.

۵، ابعاد داستان‌واره‌ها با دسته‌بندی‌های مربوط مشخص شده است. برای هر دسته، میانگین، انحراف استاندارد و درصد رتبه‌های کم/خیلی کم، متوسط، زیاد/خیلی زیاد ارائه شده

شرایط پابندی به هنجار صداقت

در گام بعدی، همبستگی رتبه‌بندی داستان‌واره‌ها توسط پاسخگویان با ابعاد داستان‌واره‌ها بررسی می‌شود. در جدول

می‌دهند. این در حالی است که در شرایط عدم احتمال جریمه و عدم افشای بی‌صداقتی، بیش از سایر حالات ممکن است بی‌صداقتی رخ دهد.

۲- افراد در شرایط احتمال نفع بیش از شرایط احتمال ضرر، نسبت به دولت صداقت نشان می‌دهند. در مورد بی‌صداقتی، عکس این وضعیت وجود دارد.

۳- پاسخگویان در وضعیتی که بدانند دیگر هم‌تایان آنان نسبت به دولت صادقند بیشتر میل به رعایت هنجار صداقت از خود نشان می‌دهند. در مورد بی‌صداقتی نیز وضعیت مشابهی وجود دارد؛ یعنی وقتی احتمال دهند که هم‌تایان آن‌ها با دولت صادق نیستند، آن‌ها نیز احتمالاً چنین خواهند کرد.

است. هرچه میانگین بالاتر باشد، هنجار صداقت بیشتر پذیرفته شده است. در میان طبقات یک متغیر، هر کدام که میانگین بالاتر داشته باشد، در آن حالت هنجار صداقت پذیرفته شده‌تر است. با مقایسه میانگین‌های طبقات مختلف یک بعد یک داستان‌واره، می‌توان دریافت که آیا تفاوت‌های ارزش طبقات، سبب تفاوت در رتبه‌بندی توسط پاسخگویان شده است یا نه و اگر چنین است کدام طبقه سبب این تفاوت است. بر اساس یافته‌های مذکور می‌توان گفت:

۱- در مورد دوگانه مجازات و دوگانه افشا، در صورت احتمال جریمه و نیز احتمال افشای بی‌صداقتی، بیش از سایر حالات، افراد به هنجار صداقت با دولت پایبندی نشان

جدول ۵- ویژگی‌های داستان‌واره‌های صداقت و رتبه‌بندی آن‌ها

ابعاد	سطوح متغیر	میانگین پایبندی*	انحراف معیار	% عدم صداقت J<3	% فقدان هنجار J=3	% صداقت j>3
دوگانه منفعت	دریافت یارانه	۳,۴۴	۱,۰۵	۱۸,۴۴	۲۵,۷۸	۵۵,۷۸
	پرداخت مالیات	۳,۴۳	۱,۰۴	۱۹,۲۸	۲۵,۸۶	۵۴,۷
دوگانه مجازات	جریمه نمی‌شود	۳,۲۵	۱,۰۸	۲۳,۴۶	۲۹,۶۳	۴۶,۹۱
	جریمه می‌شود	۳,۶۳	۰,۹۷	۱۴,۱۳	۲۱,۹	۶۳,۸۱
دوگانه	افشاء نمی‌شود	۳,۳۴	۱,۰۷	۲۲,۰۶	۲۶,۷۶	۵۱,۱۷
افشا	افشاء می‌شود	۳,۵۳	۱,۰۰	۱۵,۶۵	۲۴,۸۸	۵۹,۳۱
دوگانه هم‌تایی	بی‌صداقت هم‌تایان	۳,۳۶	۱,۰۴	۲۰,۹۴	۲۵,۹۴	۵۳,۱۲
	صداقت هم‌تایان	۳,۵۱	۱,۰۵	۱۶,۷۷	۲۵,۷	۵۷,۳۷

* میانگین پایبندی به هنجار صداقت در مقیاس ۱ تا ۵ محاسبه شده است.

پایبندی به هنجار صداقت با دولت دارد.

بحث و نتیجه

در حالی که هنجار صداقت، هنجار محوری اجرا در حوزه فرهنگ یا روابط گفتگویی است و دوام این روابط به رعایت صداقت و راستگویی متکی است، به نظر می‌آید مهم‌ترین چالش در مناسبات گفتگویی دولت با مردم به ویژه در ارائه اطلاعات دقیق درآمدی، ضعف صداقت است. در این تحقیق، وفاق هنجاری صداقت با دولت از طریق پیمایش عاملی در

چهارم: مطابق الگوی دیفنباخ و آپ (Diefenbach & Opp, 2007)، ابعادی از داستان‌واره که اختلاف میانگین پایبندی

به هنجار بین طبقات آن بیش از ۰,۳ باشد حائز اهمیت بیشتری است و آن طبقه‌ای که میانگین پایبندی هنجار در آن بالاتر باشد تأثیر بیشتری در پایبندی به هنجار پیدا می‌کند. بر این اساس، تفاوت میانگین پایبندی به هنجار صداقت در دوگانه مجازات (جریمه شدن و نشدن) بیش از ۰,۳ است و مقدار آن نیز در مقوله جریمه بیش از عدم جریمه است و این بدان معناست که ترس از مجازات، اثر قابل توجه‌تری بر

مجازات (جریمه شدن)، بیش از مجازات نشدن است. این بدان معناست که افراد جامعه مورد بررسی اگر بدانند از رهگذر صداقت با دولت در اعلام اطلاعات درآمیشان احتمالاً نفعی برایشان حاصل می‌شود یا اگر احتمال به دهند در صورت دروغ‌گویی دروغشان آشکار خواهد شد یا اگر محتمل بدانند که دیگر مردم حقیقت را در مورد درآمیشان به دولت خواهند گفت، بیشتر تمایل دارند صادقانه درآمیشان را گزارش کنند؛ با این حال، شرایطی که بیش از همه موجب تمایل جامعه به راستگویی به دولت در مورد درآمد می‌شود، احتمال مجازات است. یعنی اگر افراد احتمال به دهند در صورت دروغ‌گویی مشمول نوعی از اعمال قانون نظیر جریمه و مجازات می‌شوند که مستقیماً منافع مادی و ملموسشان را به خطر می‌اندازد بیشتر متمایل به گفتن حقیقت و در واقع تن دادن به هنجار صداقت می‌شوند.

اگرچه تحقیقات مشابهی در دسترس نبود که نتایج تحقیق حاضر با آن مقایسه شود اما تحقیقات خارجی (Rossi & Berk, 1985; Will, 1993; Hechter & et al., 1999; Jasso, 2006) بیشتر از حیث روش مطالعه با تحقیق حاضر قابل مقایسه‌اند. در تحقیقات داخلی کمتر مورد قابل مقایسه‌ای وجود دارد. شاید در این میان تنها بتوان به نتایج دو پیمایش ملی در ایران رجوع کرد و تا حدی این مقایسه را انجام داد. در موج دوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲)، ۴۱٪ از ایرانیان پایبندی کامل به هنجار صداقت نشان داده‌اند و در پیمایش انسجام اجتماعی در ایران (یوسفی و عظیمی، ۱۳۸۴ الف) میزان پذیرش هنجار صداقت در ایران برابر ۵۶٫۹ درصد و در مشهد (۱۳۸۴ ب)، ۵۵٫۹ درصد برآورد گردیده است. این در حالی است که در دو پیمایش مذکور، صداقت در روابط بین اشخاص و در تحقیق حاضر، صداقت در روابط بین اشخاص و دولت مورد توجه بوده‌اند و انتظار هم این است که صداقت در روابط اشخاص با دولت، کمتر از صداقت در روابط میان اشخاص باشد؛ همچنان که نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد درصد افرادی که به هنجار صداقت با دولت کاملاً پایبند بوده‌اند برابر ۲۱٫۹ درصد است در حالی که ۴۳٫۱ درصد

۱۶۰ شهروند ۱۸ سال به بالای ساکن مشهد بررسی شد. درباره میزان وفاق هنجاری صداقت با دولت در ارائه اطلاعات درآمیدی، باید گفت که بیش از نیمی از کل پاسخ‌ها بر اتخاذ رفتار صادقانه به احتمال زیاد و خیلی زیاد دلالت داشت. در پاسخ به دومین سؤال تحقیق که در پی بررسی ساختار هنجار صداقت با دولت از لحاظ قطبیت و موقعیت‌مندی بود، از مجموع یافته‌ها می‌توان استنباط کرد که:

اول: ساختار هنجاری صداقت با دولت دارای قطبیت مثبت است و اکثریت پاسخگویان (۶۵٪) هنجار صداقت با دولت را به طور قوی یا ضعیف پذیرفته‌اند. درصد مذکور نشان‌دهنده میزان توافق هنجاری صداقت با دولت در اعلام اطلاعات درآمیدی است. این در حالی است که قطبیت منفی در این ساختار بسیار ضعیف است و تنها ۵٪ پاسخگویان در موضع بی‌صداقتی کامل با دولت قرار گرفته‌اند.

دوم: در ساختار هنجاری صداقت با دولت، حالت دو قطبی دیده می‌شود و ۳۰٪ پاسخگویان در وضعیت اعلام درآمد خود به دولت، اقتضایی عمل می‌کنند؛ یعنی گاهی با صداقت و گاه بی‌صداقتند.

سوم: ساختار هنجاری صداقت با دولت تقریباً به طور کامل، مشروط و موقعیت‌مند است و صداقت با دولت ۹۹٫۴٪ پاسخگویان در اعلام درآمد، مشروط است.

چهارم: در ساختار هنجاری صداقت با دولت، وقفه یا فقدان هنجاری وجود ندارد؛ یعنی هیچ پاسخگویی در نمونه وجود ندارد که در مرز صداقت و بی‌صداقتی با دولت، سرگردان باشد.

سومین سؤال تحقیق ناظر بر شرایطی عینی بود که بر پایبندی شهروندان مشهدی به هنجار صداقت با دولت (راستگویی در ارائه اطلاعات درآمیدی) اثر می‌گذارد. در بین چهار وضعیت دوگانه‌ای که پایبندی به هنجار صداقت با دولت را در اعلام اطلاعات درآمیدی تحت تأثیر قرار می‌دهند، تأثیر دوگانه مجازات (جریمه شدن و جریمه نشدن) بیش از تأثیر دوگانه منفعت، افشا و هم‌نوایی است و در این بین اثر

منابع

- آنان در حد ضعیفی از خود صداقت نشان داده‌اند و بدیهی است که این میزان، کمتر از صداقتی است که در تحقیقات پیشین در روابط میان اشخاص مشاهده شده است.
- مشروط بودن صداقت با دولت در بین اکثریت قاطع پاسخگویان در تحقیق حاضر و برجسته بودن اثر مجازات بر رعایت صداقت با دولت، متضمن این معناست که صداقت با دولت بیش از این که منشأ بادوام عقیدتی و اخلاقی داشته باشد، از یک الزام سیاسی اجتماعی نشأت می‌گیرد و از این رو می‌توان انتظار داشت که ساختار هنجار صداقت با دولت در ایران، شکننده و ناپایدار باشد.
- در پایان باید به یک محدودیت یا پارادوکس تحقیق حاضر توجه داشت و آن کم بودن تعداد ابعاد داستان‌واره‌ها برای تشخیص ساختار هنجاری صداقت با دولت است که به کاهش پیچیدگی موقعیت‌هایی منجر شده که در دنیای واقعی افراد به هنگام تصمیم‌گیری با آن مواجه می‌شوند. از سوی دیگر همچنان که اسپورگ، هینز و لیبنگ (Auspurg, Hinz & Liebig) هم اشاره کرده‌اند تکرار سؤالاتی که الگوی مشابهی دارند ممکن است موجب اثر یادگیری در پاسخگو شود و به نتایج غیر معتبری بینجامد و تبعاً زیاد کردن ابعاد داستان‌واره‌ها، متضمن چنین محدودیتی خواهد بود.
- دولت قرار است اطلاعات درآمدی شهروندان را برای پرداخت یارانه نقدی دریافت کند. برای این منظور پرسشنامه‌ای تهیه شده که قرار است همه شهروندان به سؤالات آن پاسخ دهند. فردی احتمال می‌دهد در صورتی که درآمدهای خود را خلاف واقع بنویسد توسط دولت جریمه نمی‌شود او همچنین احتمال نمی‌دهد که دولت صحت اظهارات او را تشخیص دهد. به علاوه احتمال می‌دهد که دیگران اطلاعات مربوط به درآمد خود را دقیق و واقعی اعلام کنند. اگر شما جای او باشید چه قدر احتمال دارد اطلاعات درآمدی خود را دقیق و واقعی اعلام کنید؟
- [۱] خیلی کم [۲] کم [۳] متوسط [۴] زیاد [۵] خیلی زیاد
- احمدی، ح.؛ تاجیک، م.؛ چلبی، م.؛ قیصری، ن. و مقصودی، م. (۱۳۷۸-۱۳۷۹). «میزگرد وفاق اجتماعی (۲)»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲ و ۳: ۱۲-۵۸.
- آرون، ر. (۱۳۸۱). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقرپرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- اعظم آزاده، م. (۱۳۸۷). *نقش نقش گروه‌بندی‌های سنی در جهت‌گیری ارزشی، نگرشی و رفتاری*، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- افقی، ن. و صادقی، ع. (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی ارزش‌ها و هنجارها و رابطه آن‌ها با آنومی؛ مطالعه موردی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه گیلان»، *تحقیقات فرهنگی*، ۲ (۸): ۶۵-۱۰۶.
- باستانی، س. (۱۳۸۶). *جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بودون، ر. و بوریکو، ف. (۱۳۸۵). *فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر-مدخل ارزش‌ها.
- چلبی، م. (۱۳۷۲). «وفاق اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ۶: ۱۵-۲۸.
- چلبی، م. (۱۳۷۳). «تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی»، *علوم اجتماعی*، ۲ (۵ و ۶): ۹-۴۲.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- چلبی، م. (۱۳۸۳). *چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- رسولی، م. و کلدی، ع. (۱۳۸۰). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان رعایت هنجارها توسط دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی»، *مجله روان‌شناسی*، ۵ (۳): ۲۶۲-۲۷۶.

- Advance Directives for Medical Treatment”, *European Sociological Review*, 15(4): 405-430.
- Jasso, G. (2006) “Factorial Survey Methods for Studying Beliefs and Judgments”, *Sociological Methods & Research*, 34(3): 334-423.
- Auspurg, K. Hinz, T. and Liebig, S. (2009) *Complexity, Learning Effects, and Plausibility of Vignettes in Factorial Surveys. Paper accepted for the ASA-Conference.* <http://kops.uni-konstanz.de/bitstream/handle/urn:nbn:de:bsz:352-150806/Hinz%20etal.pdf?sequence=2>. (Retrieved March, 8, 2012)
- Jasso, G. & Opp, K. (1997) “Probing the Character of Norms: A Factorial Survey Analysis of the Norms of Political Action”, *American Sociological Review*, 62(6):947-964.
- Rossi, P. H. Berk, R. A. & Campbell, A. (1997) “Just Punishments: Guideline Sentences and Normative Consensus”, *Journal of Quantitative Criminology*, 13(3):267-290.
- Rossi, P. H. Berk, R. A. (1985) “Varieties of Normative Consensus”, *American Sociological Review*, 50(3): 333-347.
- Rossi, P. H. & Anderson, A. B. (1982) *The Factorial Survey Approach: An Introduction*. In P. H. Rossi, & S. L. Nock (Eds.), *Measuring Social Judgments* (pp. 15-67), Beverly Hills: Sage.
- Turner, J.H. (1993) *Analytical theorizing*. In: *Giddens, Antony and Turner, Johnathan H., Social Theory Today*, Stanford: Stanford University Press.
- Turner, B.S. (2006) *The Cambridge Dictionary of Sociology*, New York: Cambridge University Press.
- Will, J.A. (1993) “The Dimensions of Poverty: Public Perceptions of the Deserving Poor”, *Social*, 22 (3): 312-332.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۲). *آناتومی جامعه یا سنته الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران: سهامی انتشار.
- روشنه، گ. (۱۳۶۷). *کنش اجتماعی*، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- سیدمن، ا. (۱۳۸۸). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کلمن، ج. س. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کوهن، ب. (۱۳۸۲). *میانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: سمت.
- کوزر، ل. (۱۳۸۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- یوسفی، ع. و عظیمی هاشمی، م. (۱۳۸۴ الف). *انسجام اجتماعی در ایران*، تهران: اداره کل امور اجتماعی، معاونت امور اجتماعی و شوراها، وزارت کشور.
- یوسفی، ع. و عظیمی هاشمی، م. (۱۳۸۴ ب). *انسجام اجتماعی در مشهد*، تهران: اداره کل امور اجتماعی، معاونت امور اجتماعی و شوراها، وزارت کشور.
- Abercrombie, N. Hill, S. and Turner, B. S. (1994) *The Penguin Dictionary of Sociology*, New York: Penguin.
- Diefenbach, H. Opp, K. (2007) “When and Why Do People Think There Should Be a Divorce? An Application of the Factorial Survey”, *Rationality and Society*, 19(4): 485-517.
- Hechter, M. Ranger-Moore, J. Jasso, G. and Home, C. (1999) “Do Values Matter? An Analysis of